

# کارکرد ازدواج‌های سیاسی در تنظیم روابط حکومت‌های متقارن از قرن ۷-۴ق (با تکیه بر تواریخ عمومی)

نوع مقاله: پژوهشی

پریسا قربان‌نژاد<sup>۱</sup>/فریبا پات<sup>۲</sup>

چکیده

ازدواج سیاسی پیوندی مصلحتی میان خاندان‌های حکومتگر بود و راهکاری مؤثر برای دستیابی به اهداف مهم حکومتی محسوب می‌شد. این نوع ازدواج از قرن چهارم به بعد، همزمان با شکل‌گیری و توسعه حکومت‌های نیمه‌مستقل در ایران، رواج بیشتری یافت. حاکمان که نیازمند برقراری روابط مسالمت‌آمیز و بهره‌برداری از موقعیت‌های پیش‌رو بودند، در حل معادلات پیچیده سیاسی از آن استفاده می‌کردند. تاکنون درباره کارکرد ازدواج‌های سیاسی در تنظیم روابط حکومت‌ها از قرن چهارم تا هفتم قمری پژوهشی منسجم و موضوعی، به‌ویژه مبتنی بر تواریخ عمومی، انجام نشده است. یافته‌ها نشان می‌دهد برخی از خلفای عباسی، حکومت‌های نیمه‌مستقل آل بویه، غزنویان، سلجوقیان، قراخانیان و برخی از حکومت‌های محلی بیشترین بهره‌برداری را از آن داشته‌اند. حکومت‌ها معمولاً برای حفظ موقعیت خود، مقابله با دشمن، تعمیق دوستی، صلح و امنیت، گسترش قلمرو و به‌ندرت برای تهدید و تحقیر پیوند زناشویی برقرار می‌نمودند. کارکرد عمده این ازدواج‌ها تسهیل، تضمین و تکمیل توافقات بود و گاه تنها راه‌حل محسوب می‌شد. مقاله حاضر با روش توصیفی و تحلیلی به تبیین مصادیق ازدواج سیاسی در تنظیم روابط حکومت‌ها خواهد پرداخت.

واژگان کلیدی: ازدواج سیاسی، خلفای عباسی، بویه‌یان، سلجوقیان، غزنویان، قراخانیان.

## The Function of political Marriages in regulating of the relations of Concurrent Governments 4th/10 -7th/13 centuries (based on general histories)

Parisa Ghorbannejad<sup>3</sup>/Fariba Pat<sup>4</sup>

### Abstract

Political marriage was a prudential connection between ruling families and was regarded as an effective method to achieve important governmental goals. This type of marriage became more popular from the fourth century AH onwards, simultaneously with the formation and development of semi-independent governments in Iran. Needed to establish the peaceful relations and to take advantage of the opportunities ahead, the rulers used them to solve the complex and political equations. About the role of political marriages in regulating the relations of governments from the 4th to the 7th century AH, so far has not been conducted any coherent and thematic research, especially based on public histories. The Findings of this research show that some of the Abbasid caliphs, the semi-independent governments of Al-Buwayhids, Ghaznavids, Seljuks, Qarakhanids and some local governments have benefited the most from it. The results show that governments usually established marital ties to maintain position, confronting the enemy, deepening the friendship, the peace and security, expanding the territory, and rarely threatening and humiliating. The main function of these marriages was to facilitate, guarantee and complete the agreements and sometimes was the only solution of it. The present article will explain the evidences of political marriage in regulation of the relations of governments with a descriptive-analytical method.

Keywords, Abbasid Caliphs, Buwayhids, Seljuks, Ghaznavids, Karakhanids.

۱. دانشیار گروه تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه الزهرا(س)، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه الزهرا(س)، تهران، ایران. \* تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۱۱/۲۵ \* تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۱/۲۵

3. Associate Professor, History of culture and civilization of Islamic Nation Alzahra University, Tehran, Iran.

Email: ghorbannejad@alzahra.ac.ir

4. Assistant Professor, History of culture and civilization of Islamic Nation Alzahra University, Tehran, Iran.

Email: f.pat@alzahra.ac.ir

## مقدمه

در طول تاریخ، حکمرانان برای رسیدن به مقاصد سیاسی خود از روش‌های متعددی بهره برده‌اند. یکی از کارآمدترین این روش‌ها در گذشته ازدواج‌های سیاسی درون‌خاندانی و برون‌خاندانی بود. در این ازدواج‌ها فرزندان دختر و پسر در حکم ابزاری برای ادامه حیات سیاسی بودند. ازدواج‌های سیاسی بدون توجه به معیارهای فردی و عشق و علاقه زوجین، خصوصاً دختران، و تنها براساس اهداف و اغراض سیاسی و اقتصادی دو حکومت یا دو خاندان انجام می‌شد. بنابراین، اشتراک و تضاد منافع در این خصوص تعیین‌کننده بود. در قرن چهارم قمری حکومت‌های نیمه‌مستقل و متقارن، ذیل خلافت عباسی، در ایران شکل گرفتند که لازم بود برای بقای قدرتشان روابط سیاسی خود را با خلافت عباسی، حکومت‌های همجوار و رقبا تنظیم نمایند. این حکومت‌ها، با توجه به دوران ظهور و تثبیت و افول، وضعیت‌های متفاوتی داشتند و یکی از دغدغه‌های اصلی حاکمان آنها بهره‌برداری از موقعیت‌ها و ابزارهای کارآمد برای نیل به اهداف و رفع تهدیدات بود. اکنون این پرسش طرح می‌شود که ازدواج‌های سیاسی (از قرن ۴-۷ق) در تنظیم روابط حکومت‌های متقارن و خلافت عباسی چه کارکردی داشتند؟ این حکومت‌ها، با وجود اختلاف عقیدتی و سیاسی، بر مبنای چه اهدافی به وصلت و پیوندهای زناشویی با یکدیگر و خلافت عباسی تمایل نشان می‌دادند؟ پیش‌فرض این نوشتار آن است که ازدواج‌های سیاسی کم‌هزینه‌ترین روش برای دستیابی به اهداف سیاسی و حکومتی بود و تثبیت قدرت و توسعه ارضی از مهم‌ترین کارکردهای آن محسوب می‌شد. بنابراین، واکاوی نقش این نوع ازدواج‌ها در شکل‌گیری و تنظیم روابط حکومت‌ها از منظر تاریخ سیاسی ضروری و مسئله این پژوهش است.

بازه زمانی مقاله حاضر محدود به سده‌های چهارم تا هفتم قمری است که دوره فراز و فرود خلافت عباسی و حکومت‌های متقارن آل بویه، غزنویان، سلجوقیان و حکومت‌های محلی در ایران بوده است. منابع اصلی این پژوهش تواریخ عمومی‌اند که اطلاعات باارزشی درخصوص وقایع سیاسی دارند و غالباً مستند به مشاهده مؤلفان در تاریخ زمان خود هستند. ضمناً نگارندگان برای خلق اثری بدیع در پی گزینش مصادیقی از ازدواج سیاسی‌اند که در سرنوشت حکومت‌ها تأثیرگذار بوده‌اند.

نکته دیگر آنکه به دلیل شرایطی همچون همزمانی حکومت‌ها، مستعجل بودن آنها، رقابت‌های خاندانی، مقابله با دشمنان خارجی و تنظیم روابط دستگاه خلافت با حکومت‌ها و بالعکس، تشخیص کارکرد اصلی ازدواج‌های سیاسی در تنظیم و تسهیل روابط پیچیده حکومت‌ها مشکل است. بنابراین، نگارندگان مبنای تقسیم‌بندی خود را مهم‌ترین کارکرد یک ازدواج در تصمیم‌گیری سیاسی قرار داده‌اند.

تاکنون در این باره پژوهش مستقلی به شکل موضوعی و براساس کارکرد ازدواج‌های سیاسی انجام

نشده است. اکثر پژوهش‌های موجود با محوریت جایگاه سیاسی و اجتماعی زنان به نگرارش درآمده و به طور پراکنده به ازدواج سیاسی نیز به‌عنوان یکی از نقش‌های زنان اشاره کرده‌اند.<sup>۱</sup> اما در این میان پژوهش‌هایی با رویکرد ازدواج سیاسی موجود است. از جمله اصغر فروغی در مقاله «تاریخ بی‌هقی و ازدواج‌های سیاسی» از ازدواج‌های غزنویان تا دوران مسعود غزنوی فهرستی به دست داده و با تأکید بر مظلومیت زنان در این پیوندها در باب هر یک توضیح مختصری آورده است.<sup>۲</sup> محمدعلی جودکی هم در مقاله «ازدواج‌های سیاسی عصر سلجوقی»، با توجه به حوزه جغرافیایی و خاستگاه قومی حکومت‌های مرتبط با سلجوقیان، به بررسی و ارزیابی پیوندهای خانوادگی و نقش زنان در امور سیاسی پرداخته است.<sup>۳</sup> پایان‌نامه‌هایی نیز با موضوع جایگاه سیاسی زنان به نگرارش درآمده‌اند که در ذیل این مسئله، ازدواج‌های سیاسی را بررسی کرده‌اند، مانند پایان‌نامه «بررسی نقش سیاسی زنان خاندان سلجوقی در عهد سلجوقیان بزرگ»، به نگرارش معصومه دهقان، که نویسنده در فصل پنجم به ازدواج‌های سیاسی خاندان‌های سلجوقی با خلفای عباسی اشاره کرده و به شیوه‌ای روایی به حواشی ازدواج‌های یک از زنان دربار سلجوقی پرداخته است. همچنین زینب گنجعلی در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی جایگاه اجتماعی و سیاسی زنان در دوره تسلط غزنویان و سلجوقیان» ازدواج‌های سیاسی این دوره‌ها را با محوریت نقش زنان و استفاده ابزاری از آنان در قدرت واکاوی کرده است. البته موضوع بیشتر آثار موجود ازدواج‌های سیاسی دوره سلجوقیان است و دلایل پنهان این ازدواج‌ها و دستاوردهای آنها به خوبی تبیین نشده است. تفاوت مقاله حاضر در این است که نویسندگان مقوله ازدواج را به روش توصیفی تحلیلی، از منظر یک امر سیاسی و تصمیم حاکمیتی تأثیرگذار در حل مسائل حکومتی بررسی کرده و با موضوع‌بندی و رعایت ترتیب سنوالت، امکان بررسی تطبیقی و شناخت تمایز اهداف حکومت‌ها را در بهره‌برداری از ازدواج‌ها فراهم نموده‌اند.

## کارکردهای ازدواج سیاسی

در سده‌های چهارم تا هفتم قمری شرایط سیاسی خاصی بر جهان اسلام حکمفرما بود. ضعف خلافت عباسی، شکل‌گیری حکومت‌های متقارن و مدعی، و کشمکش‌ها و منازعات منطقه‌ای به دوستی‌ها و دشمنی‌ها دامن زد. در روابط حکومت‌های این دوران، که دارای فرهنگ و مذاهب مختلف بودند،

۱. مقاله «مشارکت سیاسی خاتون‌ها در دولت سلجوقیان ایران»، به نگرارش طاهره رحیم‌پور ازغدی در سال ۱۳۹۶، و مقاله «خواتین و نقش سیاسی آنان در تاریخ اسلام»، اثر سید مهدی جوادی در سال ۱۳۸۴، و مقاله «بررسی کارکردهای سیاسی و فرهنگی زنان هیأت حاکمه در حکومت‌های ترک از دوره غزنویان تا پایان قرن هشتم» به نگرارش عباس قدیمی قیداری در سال ۱۳۸۷.

۲. اصغر فروغی، «ازدواج‌های سیاسی تاریخ بی‌هقی»، پیام زن خرداد، س ۱۳، ش ۱۴۷ (۱۳۸۳)، ص ۳۴-۳۹.

۳. محمدعلی جودکی، «ازدواج‌های سیاسی عصر سلجوقی»، تاریخ‌پژوهی، ش ۲۸ و ۲۹ (پاییز و زمستان ۱۳۸۵)، ص ۱-۱۸.

پیوندهای زناشویی نقشی تعیین‌کننده داشتند و فرهنگ سیاسی خاصی را ایجاد کردند. حاکمان از سویی براساس فرهنگ و رسومات خود به برقراری روابط سببی با دوستان علاقه‌مند بودند و از سوی دیگر برای ایجاد ارتباط و حل مسائل با حکومت‌های رقیب ناچار به این ازدواج‌ها تن می‌دادند. در زیر مهم‌ترین کارکردهای این ازدواج‌ها شرح داده می‌شود.

## ۱. صلح و آشتی

یکی از معانی صلح حل اختلاف و اتمام خصومت طرفین پس از درگیری‌های سیاسی و نظامی است.<sup>۱</sup> معمولاً در گذشته قبل از عقد صلح یا پس از آن، ازدواجی بین طرفین درگیر صورت می‌گرفت. گزارش‌های تاریخی از این ازدواج‌ها مختصر است و اغلب از ادامه سرنوشت آنها اطلاعی در دست نیست. گاهی ازدواج سیاسی زمینه و مقدمات صلح را فراهم می‌کرد. در حکومت عزالدوله بختیار<sup>۲</sup> (ف. ۳۶۷ق) درگیری با سرداران ترک که نقش مؤثری در پیروزی آل بویه داشتند، شدت یافت. مشاوران عزالدوله برای برقراری آشتی میان آنان پیوند سببی را پیشنهاد نمودند. بر این اساس، در سال ۳۶۰ق مرزبان و سالار، فرزندان عزالدوله بختیار، به ترتیب با دختران بختکین و بکتجور، از سرداران ترک معزالدوله (ف. ۳۵۶ق)، ازدواج کردند. پس از آن، هر یک برای دیگری و همه برای عزالدوله سوگند وفاداری یاد نمودند. این آشتی تا حدودی اختلافات و دشمنی‌ها را برطرف کرد.<sup>۳</sup>

در مواردی ازدواج‌ها با هدف تضمین صلح انجام می‌شد. سلاطین غزنوی پس از شکست در مقابل سلجوقیان (در سال ۴۳۰ق) درصدد صلح برآمدند و از طریق ازدواج‌های سیاسی، روابط نسبتاً پایداری با آنان برقرار کردند. مودود بن مسعود (ف. ۴۴۱ق)، پس از تکیه بر مسند حکومت، تصمیم گرفت اوضاع قلمروی خود را سامان دهد. از این رو، چغری بیگ (ف. ۴۵۱ق)، امیر سلجوقی را که بر بلخ مسلط شده و آنجا را غارت کرده بود، شکست داد اما در نهایت راه صلح در پیش گرفت و برای تضمین آن با دختر وی ازدواج کرد.<sup>۴</sup> برادرش ابراهیم بن مسعود (ف. ۴۹۲ق) نیز که طولانی‌ترین دوره حکومت را میان غزنویان داشت، ضمن صلح با چغری بیگ<sup>۵</sup> برای تحکیم پایه‌های قدرت خود با آلپارسلان (ف. ۴۶۵ق) و ملک‌شاه

۱. صلح معانی مختلفی دارد. تعریف فوق با هدف مقاله همسو است (سید محمدعلی داعی الاسلام، فرهنگ نظام، ج ۲ تهران: شرکت دانش، ۱۳۶۳)، ص ۶۱۰.

۲. امیر سلسله آل بویه که جانشین پدرش معزالدوله شد (احمد بن محمد خلکان، وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان، محقق احسان عباس، ج ۱ (قم: الشریف رضی، ۱۳۶۴)، ص ۲۶۷).

۳. ابوعلی مسکویه، تجارب الامم و تعاقب الهمم، ترجمه عیثقی منزوی، ج ۶ (تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۶)، ص ۳۴۲.

۴. مسعود بن مودود غزنوی از این مادر سلجوقی به دنیا آمد و بیش از یک ماه سلطنت نکرد (حمداالله مستوفی، تاریخ گزیده، مترجم عبدالحسین نوایی (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۳۹)، ص ۳۹۸). همچنین یکی از پسران آلپارسلان که با دختر وی ازدواج کرده بود در سال ۴۵۳ق به عنوان حاکم مرو و خوارزم تعیین شد (محمد بن خاوند شاه میرخواند، تاریخ روضه الصفا، مصحح جمشید کیانفر، ج ۵ (تهران: اساطیر، ۱۳۸۰)، ص ۲۲۶۴).

۵. قاضی احمد تنوی، تاریخ الفی، مترجم غلامرضا طباطبایی مجد، ج ۴ (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲)، ص ۲۳۲۷.

ف. ۴۸۵ق) پیوند سببی برقرار نمود. بنابراین، در سال ۴۵۶ق دخترش را به عقد پسر آلپارسلان<sup>۱</sup> درآورد و پسرش مسعود نیز با دختر وی ازدواج کرد.<sup>۲</sup> «بدین سان دو خاندان سلجوقی و محمودی یکی شدند و سخنشان همسان شد.»<sup>۳</sup> سپس ابراهیم ضمن بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ به غزوات هند رفت و آلپارسلان نیز در اوج اقتدار به گسترش قلمروی خود در ماوراءالنهر مشغول گردید.<sup>۴</sup> اما در ۴۶۶ق با حمله گروهی از سربازان غزنه، صلح میان آن دو تهدید شد. سلجوقیان تصمیم به انتقام گرفتند. ابراهیم بن مسعود با خدعای ضمن درخواست صلح و ارسال هدایا خواستار ازدواج پسرش با گوهرخاتون، دختر ملک‌شاه شد.<sup>۵</sup> این درخواست‌ها مورد پذیرش سلطان قرار گرفت و صلح و آشتی ادامه یافت.

حاکمان سلجوقی و قراخانی<sup>۶</sup> (۵۶۰-۳۳۰ق) نیز به‌رغم منافع مشترکی که در تصرف سرزمین‌های غزنویان داشتند،<sup>۷</sup> عمدتاً در مرزهای مشترک دچار درگیری‌های نظامی می‌شدند.<sup>۸</sup> بنابراین، برای رفع این تنش‌ها گاه به ازدواج‌های سیاسی روی می‌آوردند. چنانکه آلپارسلان در ۴۰۸ق برای خاتمه دادن به درگیری‌ها تصمیم گرفت با دختر قدرخان یوسف (ف. ۴۲۴ق)، حاکم کاشغر و ختن، ازدواج کند که قبلاً همسر سلطان مسعود غزنوی بود.<sup>۹</sup> بدین ترتیب، نماد صلح قراخانیان با غزنویان در اختیار سلجوقیان قرار گرفت. همچنین زمانی که آلپارسلان سرزمین قراخانیان غربی را مورد تهاجم قرار داد، آنان با وساطت خلیفه مقتدی (ف. ۴۸۷ق) خواستار صلح شدند و برای تحکیم آن ترکان خاتون<sup>۱۰</sup>، دختر طمغاج خان ابراهیم<sup>۱۱</sup>، را به عقد ملک‌شاه سلجوقی<sup>۱۲</sup> و دختر آلپارسلان را به عقد شمس‌الملک قراخانی<sup>۱۳</sup> درآوردند.<sup>۱۴</sup> بنابراین، به‌واسطه این ازدواج‌ها بین طرفین صلح برقرار گردید، گرچه در نهایت مانع از حمله سلجوقیان

۱. نام وی ارسلان‌شاه بود (احمد بن عبدالوهاب نویری، *نهایه الإرب فی فنون الادب*، ج ۲۶ (قاهره: ناشر دارالکتب و الوثائق القومية، بی‌تا)، ص ۳۰۹).  
۲. محمد بن احمد ذهبی، *تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام*، محقق عمر عبدالسلام تدمری، ج ۳۰ (بیروت: ناشر دارالکتب العربی، ۱۴۰۹ق)، ص ۲۸۶.

۳. علی بن محمد ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۱۰ (بیروت: دارصادر، ۱۳۸۶ق)، ص ۴۱.

۴. غیاث‌الدین بن همادالدین خواندمیر، *تاریخ حبیب السیر*، ج ۲ (تهران: انتشارات خیام، ۱۳۸۰)، ص ۳۹۶.

۵. ابن اثیر، ج ۱۰، ص ۱۶۷-۱۶۸.

۶. قراخانیان یا ایلک‌خانیان نخستین دودمان ترک‌نژادی بودند که اسلام را پذیرفتند و بر بخش‌هایی از آسیای میانه حکومت کردند (کلیفورد ادموند باسورث، *سلسله‌های اسلامی جدید*، ترجمه فریدون بدرای (تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۱)، ص ۳۵۴).

۷. این موضوع در تاریخ بیهقی به‌تفصیل بررسی شده است (ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی، *تاریخ بیهقی*، تصحیح علی اکبر فیاض، تعلیقات منوچهر دانش‌پژوه، ج ۲ (تهران: بنگاه نشر و ترجمه، ۱۳۷۶)، ص ۷۹۳-۸۹۴).

۸. ابوالقاسم فروزانی، «روابط سلجوقی با قراخانیان»، فرهنگ، ش ۴۳ (پاییز، ۱۳۸۱)، ص ۱۰۷-۱۱۶.

۹. ابن اثیر، ج ۹، ص ۳۰۱؛ عبدالرحمن بن محمد ابن خلدون، *العبر*، مترجم عبدالحمید آیتی، ج ۳ (تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳)، ص ۵۶۴.

۱۰. ابن خاتون جزء زنان تأثیرگذار در تاریخ شد و محمود (ف. ۴۸۷ق) مولود این ازدواج است (نویری، ج ۲۶، ص ۳۲۷-۳۲۵).

۱۱. وی حاکم قراخانیان غربی بود.

۱۲. این ازدواج در لشکرکشی ملک‌شاه به ماوراءالنهر صورت می‌گیرد (خواندمیر، ج ۲، ص ۴۹۱).

۱۳. وی برادر ترکان خاتون و ولیعهد طمغاج‌خان ابراهیم بن نصر قراخانی بود (نویری، ج ۲۶، ص ۳۲۷-۳۳۵).

۱۴. میرخواند، ج ۵، ص ۲۵۶۴؛ مستوفی، ص ۴۳۵.

به ماوراءالنهر نشد.

در مواردی نیز ازدواج سیاسی به‌عنوان یکی از شرایط صلح مطرح می‌شد. زمانی که ملک‌شاه به قصد فتح اوزگند<sup>۱</sup> به قلمروی قراخانیان شرقی لشکر کشید، هارون بن سلیمان بن قدرخان (ف. ۴۲۴ق) اظهار بندگی نمود و به شرط ذکر نام ملک‌شاه در خطبه، ضرب سکه و ازدواج یکی از پسران ملک‌شاه با دخترش در سال ۴۸۲ق قرارداد صلح منعقد شد.<sup>۲</sup> همگی این موارد نشان می‌دهد ازدواج‌های سیاسی مقدمات صلح را فراهم می‌کردند و نیز در تضمین و تحقق شروط صلح نقش داشتند.

## ۲. اتحاد برای مقابله با دشمنان

معمولاً حاکمان برای مقابله با دشمنان نیازمند تقویت توان نظامی، اقتصادی یا سرزمینی بودند و لازم بود متحدانی را در کنار خود داشته باشند. این اتحاد گاه از روی اختیار و غالباً به‌اجبار بود، اما برای اطمینان از وفاداری متحد، رابطه سببی برقرار می‌شد. بررسی‌ها نشان می‌دهد در این گونه موارد گاهی فقط عقد جاری می‌شد و پیوند زناشویی منوط به نتایج جنگ و اجرای تعهدات طرف مقابل بود.

خلیفه الرازی (ف. ۳۲۹ق) حکومت نوپای آل بویه را مهم‌ترین تهدید علیه خود می‌دانست و سعی داشت با اعطای امتیاز به فرماندهان نظامی، آنان را علیه آل بویه تحریک کند. وجود «دشمن مشترک»، بجکم (ف. ۳۲۹ق)، ابوعبدالله بریدی (ف. ۳۳۲ق) و ابن رائق (ف. ۳۳۰ق) را در کنار خلیفه با هم متحد نمود تا مانع تسلط آل بویه بر بغداد گردند. این اتحاد با ازدواج بجکم و دختر بریدی مستحکم گردید و مراسم عقد در حضور خلیفه الرازی برگزار شد.<sup>۳</sup>

یکی از اتحادهای مهم و سه‌جانبه در برابر دشمن که همراه با ازدواج سیاسی شکل گرفت، اتحاد نظامی عزالدوله بختیار در مقابل عضالدوله دیلمی (ف. ۳۷۲ق) بود که قصد تصرف بغداد را داشت.<sup>۴</sup> وی برای مواجهه نظامی، سپاهی آماده کرد و با حسن بن عمران (ف. ۳۷۲ق) از امرای بطایح<sup>۵</sup> متحد شد. این اتحاد نظامی در آغاز ۳۶۶ق با ازدواجی دو سویه بین طرفین استحكام یافت. عزالدوله با دختر حسن بن عمران ازدواج کرد و دخترش را به عقد پسر وی درآورد.<sup>۶</sup> سپس ابوتغلب بن حمدان (ف. ۳۶۹ق)،

۱. اوزگند یا یوزگند شهری در ماوراءالنهر که تحت حکومت قراخانیان بود (یاقوت بن عبدالله حموی، معجم البلدان، ج ۵ (بیروت: دار صادر، بی‌تا)، ص ۴۵۳).

۲. ابن اثیر، ج ۱، ص ۱۷۲؛ تنوی، ج ۴، ص ۲۴۹۸.

۳. عبدالرحمن بن علی ابن جوزی، المنتظم فی التاریخ الامم و الملوک، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطاء، ج ۱۳ (بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق)، ص ۳۸۲ و ۴۰۲؛ ذهبی، ج ۲۴، ص ۵۶.

۴. عضالدوله برای سرکوب شورش‌ها وارد بغداد شده بود. پس از موفقیت، عزالدوله را زندانی کرد. اما پس از خشم پدر به‌ناچار وی را از زندان آزاد کرد. همزمان سپاهش در واسط شکست خورد و در فارس مردم بر وی شوریدند (مجموع التواریخ و القصص، مصحح سیف‌الدین نجم‌آبادی (المان: دمنونده نیکارهون، ۱۳۷۸)، ص ۳۰۵). با تضعیف وی، برادرش فخرالدوله، ابن بقیه و حسنویه کردی به این اتحاد پیوستند (ابن اثیر، ج ۸، ص ۶۷۱).

۵. در قرن چهارم حکومت شاهینیان در منطقه بطایح توسط عمران بن شاهین تشکیل شد (ساسان طهماسبی، «شاهینیان بطایح»، تاریخ اسلام، س ۶، ش ۲۱ (۱۳۸۴)، ص ۱۴۳).

۶. مسکویه، ج ۶، ص ۴۳۳.

داماد عزالدوله، نیز به این اتحاد پیوست.<sup>۱</sup> از سوی دیگر، به دلیل نبردهای زیاد و خزانه تهی که تأمین هزینه‌های حکومت و سپاه را با مشکل جدی مواجه کرده بود، عزالدوله به اتحاد سیاسی با خلیفه نیاز داشت. بنابراین، به‌رغم اختلاف مذهبی، دختر خود شاهناز را در ۳۶۷ق به عقد خلیفه الطائع (ف. ۳۸۱ق) درآورد.<sup>۲</sup> خلیفه نیز با وجود مخالفت قلبی، برای حفظ موقعیت خود، ناچار به موافقت شد.<sup>۳</sup> البته این اتحاد به شکست انجامید و حکومت عزالدوله پایان یافت، زیرا این ازدواج‌ها هم نمی‌توانستند بی‌تدبیری‌های چندین ساله او را جبران نمایند. گفتنی است عزالدوله غالباً برای حل مشکلات حکومت از راهکار ازدواج بهره می‌برد.

یکی دیگر از اتحادهای مهم برای حمله به دشمن که میان غزنویان و قراخانیان شکل گرفت، اتحاد سلطان محمود غزنوی (ف. ۴۲۱ق) و قدرخان یوسف در سال ۴۱۶ق علیه علی تگین (ف. ۴۲۵ق)، متحد آل سلجوق، بود.<sup>۴</sup> بر این اساس، توافق شد پس از آزادسازی ماوراءالنهر و دفع خطر علی تگین، این مناطق به یغان تگین پسر دوم قدرخان واگذار شود و برای اطمینان از این اتحاد، ازدواج دو سویه‌ای بین حره زینب، دختر سلطان محمود، با یغان تگین و نیز دختر قدرخان با امیرمحمد، پسر سلطان، صورت گیرد.<sup>۵</sup> دیدارهایی بین طرفین انجام و هدایای زیادی رد و بدل شد.<sup>۶</sup> اما با مرگ سلطان محمود سرنوشت هر دو ازدواج به دوره سلطان مسعود غزنوی موکول گردید.<sup>۷</sup>

نکته قابل ذکر آنکه گاهی ازدواج سیاسی، به‌منظور مقابله با دشمن، منتج به اتحاد نهایی نمی‌شد. در دوره سلجوقیان وقتی سلطان سنجر (ف. ۵۵۲ق) در جنگ با غزها به اسارت درآمد، ولیعهدش سلیمان‌شاه (ف. ۵۵۶ق) نیز از مقابله با غزها عاجز ماند و برای دفع آنها با خوارزمشاهیان متحد شد. خوارزمشاه<sup>۸</sup> دختر برادرش را به عقد وی درآورد، اما پس از چندی به دلیل سعایت اطرافیان این اتحاد از بین رفت.<sup>۹</sup> در نتیجه این ازدواج به سرانجامی نرسید. این نوع ازدواج‌ها اغلب برای جلوگیری از حمله، پیروزی در جنگ و حمله به دشمن صورت می‌گرفتند.

۱. وی در سال ۳۶۰ق با دختر سه ساله بختیار ازدواج کرد. سپس در سال ۳۶۳ق بعد از شورش علیه بختیار خواهان تحویل همسرش شد (همان، ج ۶ ص ۳۸۲).

۲. اسماعیل بن عمر بن کثیر، *البدایه و النهایه*، اعداد خلیل شجاع، ج ۱۱ (بیروت: دارالفکر، ۱۳۹۸)، ص ۲۸۹؛ ذهبی، ج ۲۶، ص ۲۷۲؛ ابن جوزی، ج ۱۴، ص ۲۳۶؛ عبدالحی بن ضحاک گردیزی، *زین الاخبار*، به تصحیح عبدالحی حبیبی (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۳)، ص ۱۴۳.

۳. مسکویه، ج ۶ ص ۴۳۴.

۴. عثمان بن محمد منهج السراج جوزجانی، *طبقات ناصری*، تصحیح عبدالحی حبیبی، ج ۱ (تهران: ناشر دنیای کتاب، ۱۳۶۳)، ص ۲۳۰-۵۸.

۵. گردیزی، ص ۴۰۶-۴۱۰.

۶. محمد بن علی شبانکاره‌ای، *مجمع الانساب*، تصحیح میرهاشم محدث (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳)، ص ۵۷-۵۸.

۷. در ازدواج با دختر قدرخان، سلطان مسعود بعد از جانشینی به‌منظور اطمینان از جانب خان، رسولانی را برای ازدواج با دخترش فرستاد (بیهقی، ج ۲، ص ۶۴۳). در خصوص ازدواج دوم، بغراخان رسولانی برای آوردن زینب فرستاد، اما سلطان مسعود با اطلاع از قصد مطالبه ارثیه، منصرف شد (همان، ص ۷۹۴).

۸. علاء الدین ابوالمظفر (۵۲۱-۵۵۱ق) در خوارزم حکومت می‌کرد.

۹. ابن اثیر، ج ۱۱، ص ۱۸۲؛ ابن خلدون، ج ۴، ص ۱۲۸.

### ۳. حفظ و توسعه قلمرو

اتحاد برای حفظ و توسعه قلمرو به صورت‌های مختلفی میان حاکمان شکل می‌گرفت. گاهی دو حاکم برای توسعه قلمرو متحد می‌شدند و سرزمین‌های مفتوح را تقسیم می‌کردند یا پیمان عدم تعرض می‌بستند و مرزها را مشخص می‌نمودند. در مواردی هم حاکمی برای حفظ سرزمین خود با قبول تابعیت، علاوه بر خطبه و ضرب سکه، خراج‌گزار می‌شد. معمولاً این پیمان‌ها با ازدواج سیاسی همراه بود.

آل بویه (۳۲۰-۴۴۷ق) با هدف حفظ و توسعه قلمرو و تسلط بر سرزمین‌های همجوار با برخی از امرای سیاسی هم‌کیش از طریق ازدواج سیاسی رابطه برقرار می‌کردند. رکن‌الدوله دیلمی (ف. ۳۶۵ق) پس از آنکه بر ری غلبه یافت، در سال ۳۳۳ق «با حسن فیروزان [از سرداران دیلم] باب دوستی بگشود و دختر او را به زنی گرفت<sup>۱</sup> و در جلب دوستی او کوشش فراوان نمود و این امر سبب نیرومند شدن دولت آل بویه گردید و سراسر ری و جبال و فارس و اهواز و عراق در تصرف ایشان درآمد.»<sup>۲</sup> اما حسن فیروزان نتوانست با این اتحاد طبرستان را زیر سلطه خود درآورد. رکن‌الدوله برای کنترل مرزبان بن محمدسالار (ف. ۳۴۶ق) که به تسخیر ری لشکر کشیده بود، همین سیاست را در پیش گرفت و دخترش را به عقد وی درآورد. بدین ترتیب، آذربایجان تحت نفوذ رکن‌الدوله قرار گرفت و مرزبان نیز نتوانست از اتحاد دیسم کرد<sup>۳</sup> با معزالدوله به‌منظور تسخیر ایالت آذربایجان جلوگیری کند.<sup>۴</sup> این ازدواج برای هر دو طرف منفعتی به همراه داشت.

معمولاً این ازدواج‌ها بنا به ضرورت و بدون توجه به اختلافات مذهبی انجام می‌شد. عضدالدوله (۳۳۸-۳۶۲ق) از جمله فرمانروایانی بود که برای نیل به اهداف سیاسی خود پیوندهای سببی متعددی برقرار کرده تا سرزمین‌های تحت حکومتش را حفظ کند و توسعه دهد. وی به‌رغم اختلاف عقیدتی، اما برای حفظ سرزمین، با منصور بن نوح سامانی (ف. ۳۶۵ق) امیر خراسان صلح کرد و «جهت تشدید مبانی مصالحه دختر عضدالدوله به حباله نکاح امیر منصور درآمد»<sup>۵</sup> تا مانع از لشکرکشی سامانیان برای تصرف ری و کرمان شود.<sup>۶</sup> حاکمان محلی شیعی نیز برای توسعه سرزمین با آل بویه پیوند سببی برقرار می‌نمودند. در دوره مشرف‌الدوله (ف. ۳۶۸ق) که دوران ضعف آل بویه بود، پسر علاء‌الدوله ابی جعفر بن

۱. فخرالدوله از این ازدواج متولد شد (مجله التواریخ و القصص، ص ۳۰۴).

۲. ابن خلدون، ج ۳، ص ۶۳۱.

۳. در قرن چهارم دیسم کرد با حمایت کردان در آذربایجان بیرق استقلال برافراشت (عبدالحسین زرین‌کوب، تاریخ مردم ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷)، ص ۳۱۰.

۴. مسکویه، ج ۶، ص ۲۷۱-۲۷۲؛ ابن اثیر، ج ۸، ص ۵۶۹.

۵. خواندمیر، ج ۲، ص ۲۸۹.

۶. همان، ص ۳۶۳.

۷. محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوک طبری، محقق ابوالفضل ابراهیم، ج ۱۱ (بیروت: بی‌تا)، ص ۲۴۶؛ ذهبی، ج ۲۶، ص ۲۴۶.



کاکویه<sup>۱</sup> (ف. ۴۴۳ق) که به‌تازگی از خلیفه منشور حکومت گرفته بود، همدان را تصرف کرد و از طریق ازدواج دخترش با مشرف‌الدوله، همدان را برای خود حفظ نمود.<sup>۲</sup>

غزنویان (۳۵۱-۵۸۲ق) که با جدیت به دنبال گسترش قلمروی خود بودند، نیاز به ابزارهای ثمربخشی داشتند تا فتوحات را به سرانجام برسانند. بنابراین، بیشترین بهره‌برداری را از ازدواج‌های سیاسی می‌نمودند. سلطان محمود زمانی که به دلیل اهمیت سیاسی و اقتصادی ری، قصد تصرف آنجا را کرد، سیده‌الملوک به‌جای فرزند خردسالش مجدالدوله رستم (ف. ۴۰۸ق) عملاً امور پادشاهی را در دست داشت. وی با تدبیری خاص، مانع از لشکرکشی سلطان محمود شد<sup>۳</sup> تا سرزمین‌های تحت پادشاهی پسرش را حفظ کند. به همین سبب از دختر سلطان در ۳۸۷ق برای پسرش خواستگاری کرد و سلطان نیز با هدف زمینه‌سازی برای تصرف ری با این وصلت موافقت نمود.<sup>۴</sup> گفتنی است اوج حکومت مجدالدوله در زمان حیات مادرش بود، اما بعد از بالا گرفتن آشوب‌ها چون «امرا و ارکان دولت مجدالدوله را گردن نمی‌نهادند»<sup>۵</sup> او از سلطان محمود کمک خواست. بدین ترتیب، زمینه تصرف ری فراهم شد و سلطان با یاری گرفتن از منوچهر بن قابوس، آنجا را تصرف نمود و به حکومت مجدالدوله پایان داد.<sup>۶</sup>

همچنین براساس اولین معاهده صلحی که میان غزنویان و قراخانیان به‌منظور تقسیم سرزمین‌های سامانیان بسته شد، خراسان از آن سلطان محمود شد و قلمروی ماوراءالنهر در اختیار ایلک‌خان نصر قراخانی (ف. ۴۰۳ق) قرار گرفت.<sup>۷</sup> محمود هدایای گران‌قیمتی به ایلک‌خان پیشکش نمود و خان نیز برای جبران لطف سلطان، یکی از دخترانش را در ۳۹۲ق با هدایایی گرانبها به دربار وی فرستاد. سلطان ضمن قبول هدایا با دخترش ازدواج کرد.<sup>۸</sup> بدین ترتیب، رشته‌های اتحاد مستحکم و سلطان محمود با خیالی آسوده مشغول غزوات هند شد.<sup>۹</sup> اما در نهایت این ازدواج نتوانست به پایداری معاهده کمک نماید، زیرا بعد از عزیمت سلطان به هند، ایلک‌خان به خراسان لشکر کشید و شکست خورد.<sup>۱۰</sup> احتمالاً پیرو توافق مذکور، یکی دیگر از دختران خان به عقد امیرمسعود غزنوی (۴۳۲-۴۲۱ق) درآمده بود که

۱. سلسله‌ای از امیران دیلمی‌نژاد که در آغاز قرن پنجم تحت حمایت آل بویه شاخه ری درآمدند و امارت‌هایی مستقل و نیمه‌مستقل در مرکز و غرب ایران پی افکندند (صادق سجادی، «آل بویه»، *دایره‌المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱ (تهران: بنیاد دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳)، ص ۶۴۲.

۲. ابن جوزی، ج ۱۵، ص ۱۶۳؛ ابن اثیر، ج ۹، ص ۳۴۱.

۳. شبانکاره‌ای، ص ۹۳؛ کیکاوس بن اسکندر عنصرالمعالی، *قابوسنامه*، به اهتمام و تصحیح امین عبدالمجید بدوی (تهران: انتشارات سینا، ۱۳۳۵)، ص ۱۰۵.

۴. *مجموع التواریخ و التخصیص*، ص ۳۰۷-۳۰۸.

۵. مستوفی، ص ۴۲۰.

۶. ابن اثیر، ج ۱۶، ص ۸۵؛ گردیزی، ص ۴۱۸ و ۴۲.

۷. شبانکاره‌ای، ص ۴۹.

۸. گردیزی، ص ۲۸۲؛ خواندمیر، ج ۲، ص ۳۷۷.

۹. ابن اثیر، ج ۹، ص ۱۸۸.

۱۰. ابن خلدون، ج ۳، ص ۵۲۶-۵۲۸.

در سال ۴۰۸ق بعد از جانشینی طغان خان، با آذین‌بندی بلخ، این وصلت انجام شد. پس از آن، سلطنت هرات به مسعود واگذار گردید.<sup>۱</sup>

در این دوره یکی از مهم‌ترین ازدواج‌های سیاسی که منجر به گسترش متصرفات شد، ازدواج حره کالجی، خواهر سلطان محمود غزنوی (ف. ۴۰۶ق)، با ابوالحسن علی بن مأمون<sup>۲</sup> در خوارزم بود. بدین شرح که پس از شکست قراخانیان<sup>۳</sup> از غزنویان، ابوالحسن از ترس تصرف خوارزم در اقدامی پیشگیرانه باب دوستی را با محمود گشود و از خواهر وی خواستگاری نمود. سلطان نیز که قصد تصرف خوارزم و ضمیمه آن به قلمروی خود را داشت با این ازدواج موافقت کرد.<sup>۴</sup> پس از مرگ ابوالحسن، برادرش ابوالعباس مأمون بن مأمون (ف. ۴۰۷ق) در استمرار روابط دوستانه با غزنویان خواستار پیوند سببی مجدد با آنان شد. وی در یک ازدواج دو سویه خواهرش را به عقد سلطان محمود درآورد<sup>۵</sup> و درخواست نمود با بیوه برادر سلطان (زینب حره کالجی) ازدواج کند.<sup>۶</sup> این پیشنهاد به شرطی مورد موافقت قرار گرفت که در خوارزم خطبه به نام سلطان محمود خوانده شود. اما امرا و سرداران در مقابل این شرط مقاومت و شورش کردند و ابوالعباس کشته شد. این امر بهانه خوبی شد تا محمود به آرزوی دیرینه خود، یعنی تصرف خوارزم، دست یابد.<sup>۷</sup>

در روزگار سلجوقیان نیز زمانی که طغرل بیگ (ف. ۴۴۵ق) متصرفات امرای آل بویه را فتح کرد، ابراهیم ینال، برادر طغرل، به نزدیکی حوزه حکومت ابوکالیجار (ف. ۴۴۰ق) در فارس رسید. ابوکالیجار برای آنکه قلمروی حکومتش مورد تعرض قرار نگیرد، در ۴۳۹ق دخترش را به عقد طغرل درآورد. همچنین برای استحکام بیشتر روابط امیر ابومنصور، پسر ابوکالیجار، با برادرزاده طغرل بیگ، دختر داود بن سلجوق، ازدواج کرد.<sup>۸</sup> بدین ترتیب، طغرل با پذیرش این ازدواج‌ها «به برادر خود ابراهیم ینال نوشت که دیگر از آنجا که هست تجاوز نکند.»<sup>۹</sup>

برخی مواقع ازدواج‌های سیاسی راه را برای فتح منطقه مهمی هموار می‌نمود. شمس‌الدین پهلوان بن

۱. مستوفی، ص ۳۴۹؛ محمد بن عبدالجبار عتبی، تاریخ یمنی، مترجم ناصح بن ظفر جرفادقانی (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴)، ص ۳۶۷؛

رشیدالدین فضل‌الله همدانی، جامع‌التواریخ [تاریخ سامانیان و بویه‌ها و غزنویان]، مصحح محمد روشن (تهران: مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۶)، ص ۱۶۱.

۲. ابوالحسن علی بن مأمون (حک ۳۸۷-۳۹۹ق) سومین فرمانروای محلی آل مأمون در خوارزم بود که از حدود ۳۸۵ تا ۴۰۸ در آنجا فرمانروایی داشتند (سیدعلی آل داود، «آل مأمون»، دانشنامه بزرگ اسلامی، ج ۲ (تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۶)، ص ۴۶۳.

۳. در این دوره آل مأمون با قراخانیان متحد بودند (عتبی، ص ۳۷۴).

۴. ابن خلدون، ج ۳، ص ۵۳۲.

۵. همان، ج ۳، ص ۵۳۳.

۶. گردیزی، ص ۳۹۵.

۷. ابن اثیر، ج ۹، ص ۱۳۲ و ۲۶۴-۲۶۵.

۸. میرخواند، ج ۶، ص ۳۰۲۸؛ تتوی، ج ۴، ص ۲۲۵۱.

۹. ابن خلدون، ج ۳، ص ۷۰۸.

ایلدگز، صاحب آذربایجان و همدان، «شاه ارمن را با وجود سالخوردگی داماد خود ساخته و یکی از دختران خود به عقد وی درآورده بود تا این رشته پیوند را وسیله‌ای برای دست یافتن بر خلاط و توابع آن قرار دهد.»<sup>۱</sup> وقتی شاه ارمن در ۵۸۱ق مرد، ایلدگز که منتظر این فرصت بود، بلافاصله به خلاط لشکر کشید و بر شهر مسلط شد.<sup>۲</sup>

در مصادیق مذکور، غرض از پیوند سببی حفظ سرزمین و عدم تعرض، گسترش سرزمین از طریق تقسیم مناطق مفتوح یا ایجاد تابعیت برای حاکمان بود.

#### ۴. تثبیت و جابه‌جایی قدرت

زمانی که حیات سیاسی حاکمان به خطر می‌افتاد، آنها برای تثبیت قدرت خود، بدون توجه به اختلافات مذهبی و سیاسی، به برقراری و تحکیم روابط با حاکمان دیگر از طریق ازدواج‌های سیاسی اقدام می‌نمودند. به دلیل کارکرد مؤثر این روش، گاهی خلفا نیز برای تثبیت خلافت از آن بهره می‌بردند. در مواقعی هم حاکمان برای حفظ منافع مشترک خواهان این نوع ارتباط بودند که موجب توسعه قدرت طرفین می‌شد.

خلیفه المتقی (ف. ۳۳۴ق) پس از تکیه بر مسند قدرت، برای سامان دادن به اوضاع آشفته بغداد، به حمایت ناصرالدوله (ف. ۳۵۸ق) در مرکز خلافت اسلامی و به ایستادگی سیف‌الدوله (ف. ۳۵۶ق) در مرزهای جهان اسلام نیاز داشت.<sup>۳</sup> بنابراین، برای اطمینان از همراهی آل حمدان در تثبیت قدرتش، برای ازدواج با دختر حاکمی شیعه پیشقدم شد و علویه<sup>۴</sup> دختر ناصرالدوله را در ۳۳۱ق به عقد پسرش ابومنصور در آورد.<sup>۵</sup> این یکی از موارد خاص در تاریخ روابط خلافت سنی و حکومت شیعه بود.

امرای آل بویه که در مناطق وسیعی حکومت می‌کردند، به سبب فقدان حکومت مرکزی، همواره درگیر رقابت‌های درون‌خانده بودند. بنابراین، برای حفظ قدرت از طریق ازدواج سیاسی با سرداران ترک، خلفا و حاکمان محلی توافقات زیادی برقرار می‌نمودند. معزالدوله که قبل از مرگش، نگران فرمانروایی عزالدوله بختیار بود، وی را به مدارا با خاندان و سرداران به‌ویژه سبکتگین (ف. ۳۶۳ق) توصیه نمود.<sup>۶</sup> بنابراین، در ۳۴۶ق دختر حاجب سبکتگین را در حضور خلیفه به عقد عزالدوله درآورد<sup>۷</sup> تا با حمایت و

۱. ابن اثیر، ج ۱۱، ص ۵۱۴.

۲. «وی [ایلدگز] با وجود سالخوردگی دختر شاه ارمن را به زنی گرفته بود» (ابن خلدون، ج ۴، ص ۴۶۲).

۳. در دوران خلیفه المتقی، وی و یارانش در کشمکش تعیین خلیفه در ۳۲۹ق به حسن بن ابوالهیجه حمدانی (۳۲۳-۳۵۶ق) در موصل پناه بردند. حسن با از میان برداشتن دشمنان خلیفه، مقدمات بازگشت وی را به بغداد فراهم نمود (ابن کثیر، ج ۱۱، ص ۲۰۵؛ ابوالفدا، ج ۱، ص ۴۲۲).

۴. طبری نام وی را علویه ضبط کرده است.

۵. طبری، ج ۱۱، ص ۳۳۵؛ ذهبی، ج ۲۵، ص ۵.

۶. خواندمیر، ج ۲، ص ۴۲۸.

۷. طبری، ج ۱۱، ص ۳۸۳.

مشورت وی قدرت عزالدوله تثبیت گردد.

همچنین آل بویه برای مشروعیت بخشیدن به حکومت و تثبیت قدرت، نیاز جدی به پیوند با خلافت داشتند. بدین منظور عضدالدوله بویه‌ی با خلافت سنی راه مدارا و تساهل در پیش گرفت تا با اتحاد شیعه و سنی نفوذ خود را میان طرفداران خلافت افزایش دهد. او دخترش را در ۳۶۹ق به عقد خلیفه الطائع درآورد و سال بعد او را با جهیزیه فراوان به خانه خلیفه فرستاد.<sup>۱</sup> وی امیدوار بود با فرزندآوری دخترش، وحدت پادشاهی و خلافت در خاندان دیلمی محقق گردد.<sup>۲</sup> این همان آینده‌نگری حاکم بویه‌ی برای تثبیت قدرت بود، اما خلیفه هیچ‌گاه دختر او را همسر رسمی خود ندانست و فرزندى از این ازدواج در تاریخ گزارش نشده است.<sup>۳</sup> بهاءالدوله (ف. ۳۹۱ق) نیز همان هدف عضدالدوله را دنبال کرد. دخترش را به عقد خلیفه القادر بالله (ف. ۴۲۲ق) درآورد.<sup>۴</sup> اما این ازدواج کمکی به تعمیق روابط وی با خلیفه و کاهش اختلافات نکرد، زیرا القادر، به‌رغم سوگند وفاداری، برای احیای جایگاه خلافت و تضعیف آل بویه تلاش زیادی کرد.<sup>۵</sup> در اقدامی دیگر، بهاءالدوله برای تثبیت قدرت و بهبود وضعیت اقتصادی با فرمانروایان بطایح که در اوج قدرت اقتصادی<sup>۶</sup> و سیاسی بودند، رابطه سببی برقرار نمود. بنابراین، ازدواج دو سویه‌ای در ۳۴۸ق بین آنان صورت گرفت. علی بن نصر، پسر مهذب‌الدوله، با دختر بهاءالدوله<sup>۷</sup> و امیر ابی منصور، پسر بهاءالدوله، با دختر مهذب‌الدوله ازدواج کردند. مهریه هر دو ازدواج صد هزار دینار بود.<sup>۸</sup>

اهمیت ناحیه دیلم و طبرستان در تأمین امنیت متصرفات غزنویان، به‌ویژه ناحیه خراسان، غزنویان متعصب را واداشت تا با پیشنهاد برقراری پیوند سببی با حاکمان شیعی مخالفت نکنند. در دوران سلطان محمود غزنوی، منوچهر پسر قابوس و شمشگیر (ف. ۴۲۰ق) بعد از کشته شدن پدر برای تثبیت قدرت از محمود اطاعت کرد و به نام وی خطبه خواند. سلطان محمود دخترش را به عقد وی درآورد،<sup>۹</sup> اما این ازدواج نه تنها استقلال آل زیار را از بین برد، بلکه خراج‌های سنگینی را بر آنها تحمیل کرد.<sup>۱۰</sup> حتی بعد از مرگ منوچهر، باکاليجار (ف. ۴۴۱ق) نایب‌السلطنه آل زیار<sup>۱۱</sup> با تأیید سلطان مسعود در ۴۲۶ق به حکومت

۱. ابن جوزی، ج ۱۴، ص ۲۷۱ و ۲۷۷.

۲. مسکویه، ج ۶ ص ۴۸۸؛ ابن اثیر، ج ۸، ص ۷۱۰.

۳. ترکمنی آذر، ص ۹۱.

۴. ابن کثیر، ج ۱۱، ص ۳۱۲.

۵. ابن جوزی، ج ۱۴، ص ۳۶۶؛ ابن اثیر، ج ۹، ص ۵۰.

۶. بطایح محل پناه خیلی از بزرگان از جمله خلیفه القادر بود. بهاءالدوله که خزانه‌اش تهی شده بود، از وی وام گرفت (ابن اثیر، ج ۹، ص ۸۱ و ۹۷).

۷. ابن اثیر، ج ۹، ص ۱۰.

۸. ذهبی، ج ۲۷، ص ۱۸؛ ابن جوزی، ج ۱۴، ص ۳۷۰.

۹. داماد دیگرش عنصرالمعالی کیکاوس از خاندان آل زیار بود (عنصرالمعالی، ص ۳؛ مستوفی، ص ۴۲۰؛ خواندمیر، ج ۲، ص ۴۴۲).

۱۰. تتوی، ج ۳، ص ۲۱۱۹؛ مجمل‌التواریخ و القصص، ص ۱۵.

۱۱. درخصوص نسبت باکاليجار با انوشیروان و نحوه به دست گرفتن حکومت در منابع اختلاف نظر وجود دارد (روزبه زرین کوب، «باکاليجار»، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۱، (تهران: بنیاد دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۱)، ص ۲۳۸-۲۴۱).

رسید و تعهد کرد غرامت و خراج سالیانه بپردازد و دخترش را به ازدواج مسعود درآورد.<sup>۱</sup> بدین ترتیب، حاکمان این مناطق توانستند با فشار و سختی حکومت خود را تثبیت نمایند.

در دوره غزنویان، گاهی پیوند ازدواج در درون خاندان باعث جابه‌جایی قدرت می‌شد. در همین دوره بعد از مرگ مودود بن مسعود (ف. ۴۴۱ق) قدرت به پسرش مسعود بن مودود<sup>۲</sup> که طفلی بیش نبود رسید. بنابراین، مادرش به‌عنوان نایب‌السلطنه، زمام امور را به دست گرفت، اما چون به‌تنهایی از عهده امور برنمی‌آمد با بزرگان بر سلطنت بهاء‌الدوله علی، عمومی مسعود، توافق کرد و سپس با وی ازدواج نمود. بدین ترتیب سلطنت دو ساله برای بهاء‌الدوله فراهم شد.<sup>۳</sup> این یکی از ازدواج‌های درون‌خاندانی غزنویان بود که با جابه‌جایی قدرت توانستند حکومت غزنویان را تا حدی تثبیت کنند.

در میان سلجوقیان نیز مصادیقی از جابه‌جایی قدرت از طریق ازدواج دیده می‌شود. ازدواج طغرل بیگ (ف. ۴۵۵ق) با بیوه برادرش چغری بیگ باعث نفوذ پسران چغری و به سلطنت رسیدن آلپ‌ارسلان شد. بدین ترتیب سلطنت از خاندان طغرل به خاندان چغری بیگ منتقل گشت<sup>۴</sup> و در نهایت، حکومت دودمان سلجوقیان مستحکم گردید. علاوه بر آن، در اواخر دوره سلجوقیان که نفوذ اتابکان زیاد شد، اتابک ایلدگز بعد از مرگ سلطان مسعود (ف. ۵۷۱ق) از جانشینی ارسلان‌شاه یکم (ف. ۵۷۱ق) حمایت کرد و از طریق ازدواج با مادرش، توانست حکومت شاه جوان را در رقابت با سلیمان‌شاه تثبیت نماید. وی با این ازدواج، عملاً اداره امور کشور را در دست گرفت.

بنابراین، کارکرد ازدواج در این موارد کمک به دستیابی و حفظ قدرت، مشروعیت‌بخشی به حکومت و جابه‌جایی قدرت بود.

## ۵. تعمیق دوستی

حکومت‌ها برای حفظ روابط موجود یا حل مشکلات سعی می‌کردند مناسبات دوستانه خود را با حکومت‌های دیگر از طریق برقراری پیوند سببی استحکام بخشند. این نوع ازدواج‌ها اغلب برای پیوند با دستگاه خلافت صورت می‌گرفت. حاکمان برای اطمینان از حمایت خلیفه و ادامه حیات سیاسی در این امر پیشقدم می‌شدند. هرچند خلیفه نیز گاه برای حفظ شبکه قدرت به این سیاست روی می‌آورد، و این اقدام به‌تدریج زمینه‌ساز نفوذ خاندان‌های ایرانی و ترک در دستگاه خلافت شد.

از کارکرد این نوع ازدواج‌ها، حفظ روابط دوستی به‌ویژه میان حاکمان هم‌مذهب بود. عزالدوله بختیار

۱. ابن اثیر، ج ۹، ص ۴۴۲؛ گردیزی، ص ۴۲۸.

۲. در جانشینی وی اختلاف نظر وجود دارد (باسورث، ص ۱۲۸۱ و ۳۲۷-۳۲۹، گردیزی، ص ۴۲۸).

۳. مستوفی، ص ۳۹۸.

۴. ابن کثیر، ج ۱۲، ص ۸۶.

در اختلاف بین فرزندان ناصرالدوله، دو بار به ابوالمظفر و ابراهیم حمدان که با برادرشان ابوتغلب در کشمکش بودند، پناه داد. این موضوع باعث رنجش ابوتغلب شد. بنابراین، عزالدوله برای دلجویی از او که خراجگزار آل بویه بود، دختر سه ساله‌اش را با مهریهٔ صد هزار دینار در ۳۶۰ ق به عقد وی درآورد<sup>۱</sup> تا همچنان رشتهٔ دوستی تداوم یابد. عضالدوله نیز در جهت تحکیم دوستی با امرای محلی شیعی پیوندهای سببی متعددی برقرار کرد.<sup>۲</sup> فخرالدوله دیلمی (ف. ۳۸۷ ق) که علاوه بر ری و اصفهان و همدان، عهده‌دار ولایت گرگان و بخشی از طبرستان بود، با سیده خاتون، معروف به ام‌ملوک، دختر رستم بن شروین<sup>۳</sup> (ف. ۴۰۷ ق) ازدواج کرد. بدین ترتیب، رشتهٔ مودت بین آل بویه و باوندیان محکم‌تر شد.<sup>۴</sup> همچنین وی دختر بدرحسویه (ف. ۴۰۵ ق)<sup>۵</sup> را در همدان برای مجدالدوله (ف. ۴۲۰ ق) پسرش خواستگاری کرد و عقد نکاح انجام شد.<sup>۶</sup> هر چند خاندان آل بویه با حاکمان محلی شیعه پیوندهای سببی برقرار کردند، این ازدواج‌ها نتوانست حکومت‌های شیعی را در قرن چهارم با هم متحد نماید.

در دورهٔ غزنویان نیز برخی از ازدواج‌ها به قصد تحکیم دوستی بودند. سلطان محمود به پسرش امیر محمد وصیت کرد «برخیز و به ترکستان رو پیش قدرخان که او دوست من است و از برای تو از او دختر خواسته‌ام. تو داماد اوئی و او مردی مصلح است.»<sup>۷</sup> اما چون حکومت امیر محمد کوتاه بود، این ازدواج به سرانجام نرسید. پس از وی، امیر مسعود برای استمرار دوستی با قراخانیان رسولانی به ترکستان فرستاد تا ضمن عقد همان دختر برای خود، دختر بغرائگین<sup>۸</sup> را نیز برای پسرش مودود خواستگاری نمایند.<sup>۹</sup> در قرن پنجم، همزمان با ظهور حکومت مقتدر سلجوقیان (۴۲۹-۵۹۰ ق) و ضعف خلافت عباسی، پیوندهای سببی خلفا و سلاطین سلجوقی که هم‌مسلك بودند، آغاز شد. حتی زمینهٔ وصلت دختران خلیفه با امرا که تا آن زمان مرسوم نبود، فراهم گردید. سلجوقیان از ابتدای تشکیل حکومت به پیوند با خلفای عباسی، در مقام منبع قدرت معنوی و رهبر دینی مسلمانان، اهمیت می‌دادند و در برقراری مناسبات دوستانه با دستگاه خلافت تلاش می‌کردند. در نتیجه، تعدادی از خلفای عباسی با دختران

۱. ابن اثیر، ج ۸، ص ۶۱۷؛ سال ۳۶۳ ابوتغلب خواهان ارسال وی شد که احتمالاً ۶ سال داشت (مسکویه، ج ۶، ص ۳۸۴ و ۳۴۳).

۲. از جمله ازدواج بیستون (ف. ۳۶۰ ق) سومین امیر زیاریان با دختر عضالدوله (میترا مهرآبادی، *تاریخ سلسلهٔ زیاریان* (مشهد: دنیای کتاب، ۱۳۷۴)، ص ۱۰۴). و ازدواج او با دختر مانادر بن جستان (ف. ۳۶۱ ق) از امرای جستانیان که مادر صمصام‌الدوله شد (محمد رودراوری، *ذیل تجارب الامم*، به کوشش آمد رز، ج ۷ (قاهره: ۱۳۳۴ ق)، ص ۱۰۰).

۳. خواهر مرزبان یا خواهرزادهٔ وی بود.

۴. *مجموع التواریخ و القصص*، ص ۳۰۶.

۵. از کردان شیعه در غرب ایران که به مدت شصت سال حکومت کردند (پرویز ادکائی، «آل حسنویه»، *دانشنامهٔ جهان اسلام*، ج ۱ (تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۵)، ص ۴۰۷.

۶. همان، ص ۳۰۷.

۷. *شبانکاره‌ای*، ص ۵۷-۵۸.

۸. یکی از پسران قدرخان بود که جانشین پدر شد.

۹. ابن اثیر، ج ۹، ص ۳۰۱.

سلجوقی ازدواج کردند و مادران برخی از خلفا ترک شدند.<sup>۱</sup> خواتین سلجوقی بنا بر نظام قبیله در ازدواج‌های سیاسی مشارکت فعالی داشتند. ازدواج‌ها باشکوه و با حضور علما و بزرگان، همراه با مهریه و هدایای سنگین برگزار می‌شد.

سه مورد از این وصلت‌ها در دوره خلافت القائم بامرالله بود. اولین وصلت سیاسی سلجوقیان و خلفای عباسی با هدف تحکیم دوستی و بزرگداشت طغرل انجام شد.<sup>۲</sup> به پیشنهاد وی، ارسلان خاتون،<sup>۳</sup> برادرزاده طغرل، در ۴۴۸ق به عقد القائم بامرالله (ف. ۴۶۷ق) درآمد.<sup>۴</sup> نتیجه تدریجی و نهایی این وصلت تسلط طغرل بر عراق بود.<sup>۵</sup> در مجلس عقد، بزرگان سیاسی و نظامی، قضات و علما از هر دو طرف حضور داشتند و مهریه عروس صد هزار دینار تعیین شد.<sup>۶</sup>

دومین وصلت برای تحکیم ارتباط با خلیفه و کسب مشروعیت حداکثری بود. طغرل بیگ از دختر خلیفه خواستگاری نمود، اما خلیفه به سختی پذیرفت که دختر خود را به وصلت سلطان ترک درآورد، زیرا این امر در میان خلفا به سبب جایگاه والا و معنوی خلافت سابقه نداشت.<sup>۷</sup> با این حال، به دلیل ضعف خلافت و ترس از عواقب احتمالی قطع روابط دوستانه، عقد در ۴۵۴ق توسط وکیل خلیفه، ابوالغنایم ابن محلبان، در تبریز بسته شد.<sup>۸</sup> این خود نشان‌دهنده قدرت سلجوقیان و ناتوانی خلیفه در مخالفت با آنان است. گزارش‌ها حاکی از مراسم باشکوه این پیوند و رضایت فراوان طغرل است.<sup>۹</sup>

سومین وصلت سیاسی بین سلجوقیان و خلفای عباسی در دوره القائم صورت گرفت. این بار خلیفه در ۴۶۴ق با ارسال خلعت‌های فاخر از سفری خاتون، دختر آلپارسلان، برای ولیعهد خود المقتدی بامرالله خواستگاری کرد تا رشته اتحاد دو خاندان دوباره مستحکم گردد. سلطان با این درخواست موافقت کرد<sup>۱۰</sup> و عمیدالدوله به وکالت از ولیعهد، عقد را در نیشابور جاری ساخت.<sup>۱۱</sup> خواستگاری خلیفه از اهمیت حفظ

---

۱. احمد بن ابی‌یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲ (تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱)، ص ۴۲۳-۴۴۰.  
۲. «مقصود خلیفه از این وصلت احترام و بزرگداشت طغرل بود تا دشمنان به این پیوند راهی برای بریدن رشته دوستی آنها پیدا نکنند.» (فتح بن علی بنداری اصفهانی، تاریخ سلسله سلجوقی، مترجم محمدحسین جلیلی (تهران: بنیاد فرهنگ، ۱۳۵۶)، ص ۱۲ و ۱۳.  
۳. اسم این بانو خدیجه دختر داوود بود. بار دوم به ازدواج علاءالدوله علی بن ابی‌منصور درآمد (ابن اثیر، ج ۱۷، ص ۸۲).  
۴. ابن اثیر، ج ۹، ص ۶۱۷؛ ابن کثیر، ج ۱۲، ص ۶۷.  
۵. «با پیوندهای زناشویی سلجوقیان امیدوار بودند که بر خلیفه مسلط گردند و از ادعای قدرت عرفی و دنیایی او جلوگیری کنند» (کارلا کلوزنر، دیوانسالاری در عهد سلجوقیان، ترجمه یعقوب آژند (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳)، ص ۴۱).  
۶. ابن جوزی، ج ۱۶، ص ۴؛ ابن خلدون، ج ۲، ص ۷۱۲.  
۷. نقش آلتون‌جان (ف. ۴۵۳ق)، همسر طغرل، که توانست خلیفه القائم را به وصلت با امرا متقاعد نماید، حائز اهمیت است. ابن خاتون سلجوقی علاوه بر خلیفه، سلطان را نیز به پیوند با خاندان پیامبر (ص) ترغیب نمود و برای ایجاد این پیوند ثروت شخصی خود را به دختر خلیفه هدیه داد (ابن اثیر، ج ۶ ص ۲۱۲؛ ابن کثیر، ج ۱۲، ص ۱۶۳). همچنین در کارسازی این وصلت نقش وزیر ایرانی، عمید الملک کندی، و ارسلان خاتون، همسر القائم، مهم است.  
۸. ابن جوزی، ج ۸، ص ۲۲۰.  
۹. همان، ج ۱۶، ص ۷۵؛ خواندمیر، ج ۲، ص ۳۷۹.  
۱۰. ابن اثیر، ج ۶، ص ۴۶.  
۱۱. تتوی، ج ۴، ص ۲۴۰۵؛ ابن کثیر، ج ۱۲، ص ۱۰۵.

روابط دوستانه با سلجوقیان برای دستگاه خلافت خبر می‌دهد.

پس از آنکه خلیفه المقتدی بر مسند خلافت تکیه زد، علاوه بر ازدواج قبلی با خاندان سلجوقی، برای تعمیق دوستی با ملک‌شاه سلجوقی در سال ۴۷۴ق از دخترش مه‌ملک‌خاتون خواستگاری کرد که به شرط عدم ازدواج خلیفه با زنی دیگر با این وصلت موافقت شد.<sup>۱</sup> این امر نشان می‌دهد سلجوقیان قدرت لازم را به دست آورده بودند و برای خلیفه شرط تعیین می‌کردند. گفتنی است ملک‌شاه امید داشت با فرزندآوری دخترش، قدرت و موقعیت سلجوقیان تحکیم یابد. ابوالفضل جعفر بن مقتدی از این مادر متولد شد، اما در سال ۴۸۶ق وفات یافت و سلطان به هدفش نرسید.<sup>۲</sup> یکی از نشانه‌های اهمیت این ازدواج‌ها باشکوه بودن جشن و میزان جهیزیه بود که در خصوص مه‌ملک‌خاتون گزارشات اغراق‌آمیزی وجود دارد.<sup>۳</sup>

خلیفه المستظهر (ف. ۵۱۲ق) همانند پدرش در جهت تحکیم روابط با سلطان سلجوقی از دختر ملک‌شاه (خواهر سلطان محمد) در ۵۰۲ق خواستگاری نمود. خطبه عقد در اصفهان با صد هزار دینار مهریه توسط قاضی ابوالعلاء صاعد بن محمد نیشابوری جاری شد.<sup>۴</sup> در منابع به ازدواج المسترشد بالله (ف. ۵۲۹ق) با دختر سلطان سنجر نیز اشاره شده، اما اطلاعات چندانی در این خصوص داده نشده است.<sup>۵</sup> با توجه به اینکه سلجوقیان در این دوره قدرتمند بودند، احتمالاً این ازدواج نیز در جهت تعمیق دوستی بوده است. در دوران خلافت المقتفی (ف. ۵۵۵ق) نیز برای تحکیم روابط با سلطان مسعود سلجوقی (ف. ۵۴۷ق)، ازدواج دو سویه‌ای شکل گرفت که طی آن در سال ۵۳۱ق خلیفه با فاطمه‌خاتون دختر محمد بن ملک‌شاه (خواهر سلطان مسعود)<sup>۶</sup> ازدواج کرد و در این مراسم بزرگانی چون علی بن مراد الزینی، وکیل خلیفه، و کمال الدرکزینی، وزیر سلطان، حضور داشتند.<sup>۷</sup> سلطان نیز با دختر خلیفه به نام زبیده‌خاتون ازدواج کرد،<sup>۸</sup> اما ازدواجشان به خاطر کمی سن عروس، ۵ سال بعد در بغداد و با تأخیر انجام شد. مهریه هر دو ازدواج صد هزار دینار گزارش شده است.

خلفای عباسی و سلاطین سلجوقی سعی در ایجاد پیوند سببی با یکدیگر داشتند تا ضمن تعمیق دوستی از حمایت همدیگر مطمئن شوند.

۱. خواندمیر، ج ۲، ص ۲۵۴.

۲. ابن کثیر، ج ۱۲، ص ۱۳۲؛ میرخواند، ج ۵، ص ۲۷۳۳؛ مستوفی، ص ۳۵۶؛ ابن اثیر، ج ۱۰، ص ۲۲۷.

۳. خواندمیر، ج ۲، ص ۲۵۴.

۴. ابن اثیر، ج ۱۰، ص ۴۷۱؛ ابن کثیر، ج ۱۲، ص ۱۷۰؛ ابن جوزی، ج ۱۷، ص ۱۱۲.

۵. ذهبی، ج ۳۵، ص ۳۰۲؛ ابن جوزی، ج ۱۷، ص ۲۲۴.

۶. دختر سلطان مسعود (ابن اثیر، ج ۱۱، ص ۱۷۷).

۷. ابن کثیر، ج ۱۲، ص ۴۱۲؛ هندوشاه بن سنجر نخجوانی، تجارب السلف، مصحح عباس اقبال آشتیانی (تهران: طهوری، ۱۳۵۷)، ص ۳۰۵.

۸. ذهبی، ج ۴۱، ص ۳۲۵؛ ابن کثیر، ج ۱۳، ص ۷.



## ۶. تهدید و تحقیر

پیوندهای زناشویی علاوه بر کارکردهای مرسوم خود، گاه برای تهدید، تحقیر و دشمنی صورت می‌گرفت. پژوهشگر به نمونه‌های اندکی از آن در تواریخ عمومی دست یافت که به آنها اشاره می‌شود. گاهی ازدواج‌ها با اجبار و به قصد تهدید طرف مقابل انجام می‌شد. در قرن پنجم زمانی که علاءالدوله دیلمی به نیابت از سلطان مسعود غزنوی حاکم اصفهان شد، بعد از مدتی ادعای استقلال کرد. به همین سبب، سلطان مسعود به آنجا حمله کرد. علاءالدوله گریخت و خواهرش گروگان گرفته شد. سلطان برای جلوگیری از جنگ، با تحقیر و تهدید، خواهر علاءالدوله را به عقد خود درآورد، اما بعد از آنکه متوجه شد وی قصد حمله دارد، پیغام داد که خواهرش را به دست او باش خواهد داد. علاءالدوله در جواب گفت: «خواهر من زن توست و اگر او را طلاق دهی مطلقه‌تو. و سرانجام این سخنان در سلطان مسعود مؤثر افتاد و در کمال احترام خواهر علاءالدوله را نزد برادرش فرستاد.»<sup>۱</sup>

ازدواج‌هایی نیز با اجبار و تهدید برای تثبیت حکومت بود. در دوران سلطان عبدالرشید بن محمود غزنوی (ف. ۴۴۳ق)، شخصی به نام طغرل حاجب (غلام سلطان محمود) که به «کافر نعمت» نیز مشهور بود، دست به طغیان زد و بر غزنین استیلا یافت. او تمامی شاهزادگان را به قتل رسانید و برای کسب مقبولیت و اعتبار در بین غزنویان با اجبار و اکراه، دختر مسعود بن سلطان محمود را به عقد خود درآورد.<sup>۲</sup> در مواردی ازدواج با تهدید و اجبار برای تسلیم حاکمیت انجام می‌شد و پذیرش آن برای نجات جان و مال بود. زمانی که غزنه به دست غوریان<sup>۳</sup> (۶۱۲-۴۰۱ق) تصرف شد، خسرو شاه غزنوی (ف. ۵۸۲ق) به لاهور پناه برد. غوریان که قدرتمند شده بودند، در ۵۷۹ق لاهور را نیز محاصره کردند. شهاب‌الدین غوری (ف. ۶۰۲ق) ضمن تهدید خسرو شاه، قول داد در صورت تسلیم شهر و خواندن خطبه به نام برادرش «جان و مال و خانواده اش در امان خواهند بود... و دختر خود را هم به پسر او، یعنی پسر خسروشاه، خواهد داد.»<sup>۴</sup> خسرو شاه ابتدا نپذیرفت، اما در نهایت با قبول شروط شهر را تسلیم کرد و حکومت غزنویان فقط محدود به هند شد. در دوره افول سلجوقیان، رقابت بین اتابکان (۴۹۷-۹۳ق) در به قدرت رساندن شاهزاده‌های سلجوقی امری معمول بود که به تبع آن پیوندهای سببی زیادی شکل گرفت و به ناچار گاه از ازدواج به‌عنوان ابزاری برای دفع تهدید استفاده شد. زمانی که اینانج، اتابک ری (ف. ۵۶۴ق)، به حمایت از سلیمان شاه سلجوقی همدان را محاصره کرد، ایلدگز، اتابک آذربایجان (ف. ۶۲۲ق)، برای حمایت از ارسلان شاه سلجوقی

۱. خواندمیر، ج ۲، ص ۴۴۶-۴۴۷.

۲. همان، ص ۳۹۵.

۳. غوریان یا آل شنسب دودمان ایرانی بودند که در قرن‌های چهارم و پنجم در نواحی صعب غور، واقع در کوهستان‌های مابین هرات و غزنه، فرمانروایی می‌کردند (باسورث، ص ۵۶۸-۵۷۰).

۴. ابن اثیر، ج ۲۶، ص ۲۲۳.

همدان را فتح کرد و ضمن تهدید اینانج او را مسئول اتفاقات دانست. اینانج از ترس او و برای دفع تهدید «دختر به پهلوان پسر ایلدگز داد و او را به همدان فرستاد.»<sup>۱</sup> در مواردی هم اتابکان به منظور دشمنی به ازدواج روی می‌آوردند. پهلوان ایلدگز (ف. ۵۸۲ق)، اتابک ارسلان‌شاه، ری را تصرف کرد و اینانج، حاکم ری، به قتل رسید.<sup>۲</sup> پس از آن پهلوان با دختر وی، قتیبه‌خاتون، ازدواج کرد. پس از مرگ پهلوان برادرش قزل‌ارسلان (ف. ۵۸۵ق) جانشین وی شد. قتیبه‌خاتون که قصد داشت فرزندش قتلغ‌اینانج را به‌جای پدر بنشانند، با قزل‌ارسلان ازدواج کرد و با نقشه‌ای وی را به قتل رساند تا زمینه حکومت پسرش فراهم شود. اما طغرل بن ارسلان‌شاه (ف. ۵۹۰ق) بر قتلغ‌اینانج پیروز شد و برای خاموش کردن آتش آشوب با قتیبه‌خاتون ازدواج کرد. اما مادر و پسر با توطئه قصد قتل وی را نمودند که موفق نشدند.<sup>۳</sup> دو ازدواج آخر این خاتون به قصد از میان برداشتن رقبای پسرش و به دست گرفتن حکومت بود. بنابراین، در این مورد کارکرد ازدواج‌ها تهدید طرف مقابل، کسب مقبولیت، تسلیم و یا دشمنی و قتل رقیبان برای جانشینی بود.

## نتیجه‌گیری

پس از بررسی مصادیق ازدواج سیاسی در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش می‌توان گفت ازدواج سیاسی رخدادی چندوجهی و فرهنگ سیاسی مرسوم میان حکومت‌های متقارن بود که حاکمان در تدبیر مسائل سیاسی تا حد امکان در لایه‌های مختلف حکومتی از آن بهره می‌گرفتند. این پیوند به‌عنوان ابزاری کارآمد و اطمینان‌بخش در شرایط صلح موازنه قدرت را حفظ می‌کرد و در شرایط جنگ عامل بازدارنده از خشونت بود. حاکمان از نظر اخلاقی به تعهداتی که در ازدواج‌ها داده می‌شد، پایبند بودند. راهکار ازدواج سیاسی چنان مهم بود که اختلافات مذهبی و قومی را تحت الشعاع قرار می‌داد. در شرایط برابر این ازدواج‌ها دوسویه بود و به تنظیم روابط حکومت‌ها کمک و نتایج مورد انتظار را برآورده می‌کرد، گرچه همواره نتیجه‌بخش نبود. تسهیل و تضمین روابط و تکمیل معاهدات مهم‌ترین کارکرد این ازدواج‌ها محسوب می‌شد.

در مجموع براساس تواریخ عمومی شصت و یک مورد ازدواج استخراج شد که بیشترین کارکرد مربوط به تعمیق دوستی و صلح است. بنابراین، کارکرد این پیوندها سازنده و مثبت ارزیابی می‌شود. سلجوقیان و غزنویان با اغلب حکومت‌های متقارن، اعم از نیمه‌مستقل و محلی، پیوند سببی برقرار می‌کردند. یافته‌ها

۱. ابن‌خلدون، ج ۲، ص ۸۰۶.

۲. اسماعیل بن علی ابوالفداء، تاریخ‌ای الفداء، مصحح محمود دیوب، ج ۲ (بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ م)، ص ۱۲۴.

۳. اسحاق بن ابراهیم سجاسی، فرزند السلوک، مصحح غلامرضا افراسیابی (تهران: انتشارات پازنگ، ۱۳۶۸)، ص ۲۱؛ مستوفی، ص ۴۶۸.

نشان می‌دهد سلجوقیان با اهداف مختلف بیشترین ازدواج سیاسی را با خلفا داشتند، اما غزنویان پیوندی با خلفا نداشتند و با حکومت‌های هم‌عرض رابطه سببی برقرار می‌نمودند. حکومت‌های محلی با بیشترین سهم ازدواج، به‌عنوان بازیگران سیاسی، همواره مورد توجه حکومت‌های بزرگ به‌ویژه آل بویه بودند. در یک مقایسه تطبیقی، آل بویه در تثبیت قدرت، سلجوقیان در تحکیم روابط با خلافت، غزنویان برای توسعه قلمرو، قراخانیان در رقابت‌های درون‌خاندانی بیشترین بهره را از ازدواج‌های سیاسی برده‌اند. بررسی وجه اجتماعی این ازدواج‌ها، مانند کودک‌همسری و برقراری پیوند اجباری فارغ از عشق و تأثیر آن در روابط حکومت‌ها، پیشنهاد نگارندگان برای پژوهشی دیگر است.

## کتابنامه

آل داود، سیدعلی. «آل مأمون»، دانشنامه بزرگ اسلامی، ج ۲، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۴۶۳.

ابن اثیر، علی بن محمد. *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارصادر، ۱۳۸۶ق.

ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی. *المنتظم فی التاریخ الامم والملوک*، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق.

ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد. *العبر، مترجم عبدالحمید آیتی*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳.

ابن خلکان، احمد بن محمد. *وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان*، محقق احسان عباس، قم: الشریف رضی، ۱۳۶۴.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. *البدایه و النهایه*، اعداد خلیل شحاده، بیروت: دارالفکر، ۱۳۹۸.

ابوالفداء، اسماعیل بن علی. *تاریخ ابی‌الفداء*، محقق محمود دیوب، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷م.

اذکائی، پرویز. «آل حسنیویه»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۴۰۷.

باسورث، کلیفورد ادموند. *تاریخ غزنویان*، ترجمه حسن انوشه، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۸.

\_\_\_\_\_ سلسله‌های اسلامی جدید: راهنمای گاهشماری و تبارشناسی، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۱.

بنداری اصفهانی، فتح بن علی. *تاریخ سلسله سلجوقی*، مترجم محمدحسین جلیلی، تهران: بنیاد فرهنگ، ۱۳۵۶.

بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین. *تاریخ بیهقی*، تصحیح علی اکبر فیاض، تعلیقات منوچهر دانش‌پژوه، تهران: انتشارات هیرمند، ۱۳۷۶.

تنوی، قاضی احمد. *تاریخ الفی*، مترجم غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.

ترکمنی آذر، پروین. «آل بویه، عباسیان و تشیع»، فصلنامه تاریخ اسلام، س ۷، ش ۲۵، ۱۳۸۵، ص ۸۳-۱۰۰.

جودکی، محمدعلی. «ازدواج‌های سیاسی عصر سلجوقی»، فصلنامه تاریخ پژوهی، ش ۲۸-۲۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، ص ۱-۱۸.

خواندمیر، غیث‌الدین بن همادالدین. *تاریخ حبیب‌السیر*، تهران: انتشارات خیام، ۱۳۸۰.

- داعی الاسلام، سید محمدعلی، فرهنگ نظام، ج ۲، تهران: شرکت دانش، ۱۳۶۳.
- ذهبی، محمد بن احمد. تاریخ اسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، محقق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: ناشر دارالکتب العربی، ۱۴۰۹ق.
- رحیم‌پور ازغدی، طاهره. «مشارکت سیاسی خواتین سلجوقی در ایران»، فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۸، ش ۲۶، ۱۳۹۶، ص ۱۰۹-۱۳۰.
- رشیدالدین فضل‌الله. جامع التواریخ (تاریخ سامانیان و بویهیان و غزنویان)، مصحح محمد روشن، تهران: مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۶.
- رودراوری، محمد. ذیل تجارب الامم، به کوشش آمد رز، قاهره، ۱۳۳۴ق.
- زرین کوب، عبدالحسین. تاریخ مردم ایران، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۷.
- سجادی، صادق. «آل بویه»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱، تهران: بنیاد دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ص ۶۴۲.
- سجاسی، اسحاق بن ابراهیم. فرائد السلوک، مصحح غلامرضا فراسیابی، تهران: انتشارات پازنگ، ۱۳۶۸.
- شبانکاره‌ای، محمد بن علی. مجمع الانساب، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۳.
- طبری، محمد بن جریر. تاریخ طبری: تاریخ الامم و الملوک، محقق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: بی‌تا.
- طهماسبی، ساسان. «شاهینیان بطایح»، تاریخ اسلام، س ۶، ش ۲۱، ۱۳۸۴، ص ۱۴۳-۱۶۰.
- عتبی، محمد بن عبدالجبار. تاریخ یمینی، مترجم ناصح بن ظفر جرفادقانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
- عنصرالمعالی کیکاوس. قابوسنامه، به اهتمام و تصحیح امین عبدالمجید بدوی، تهران: انتشارات سینا، ۱۳۳۵.
- فروزانی، ابوالقاسم. «روابط سلجوقی با قراخانیان»، فرهنگ، ش ۴۳، ۱۳۸۱، ص ۱۰۷-۱۱۶.
- فروغی، اصغر. «ازدواج‌های سیاسی تاریخ بیهقی»، پیام زن خرداد، س ۱۳، ش ۱۴۷، ۱۳۸۳، ص ۳۴-۳۹.
- کلوزنر، کارلا. دیوانسالاری در عهد سلجوقیان، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۳.
- گردیزی، عبدالحی بن ضحاک. زین الاخبار، به تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۳.
- مجمل التواریخ و القصص، مصحح سیف‌الدین نجم‌آبادی، آلمان: دمونده نیکارهنون، ۱۳۷۸.
- مستوفی، حمدالله. تاریخ گزیده، مترجم عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۳۹.
- مسکویه، ابوعلی. تجارب الامم، ترجمه علی منزوی، ج ۶، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۶.
- منهاج السراج جوزجانی، عثمان بن محمد. طبقات ناصری، تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: ناشر دنیای کتاب، ۱۳۶۳.
- مهرآبادی، میترا. تاریخ سلسله زیاریان، مشهد: دنیای کتاب، ۱۳۷۴.
- میرخواند، محمد بن خاوند شاه بن محمود. تاریخ روضه الصفا، مصحح جمشید کیان‌فر، چاپ اول، تهران: اساطیر، ۱۳۸۰ش.
- نخجوانی، هندوشاه بن سنجر. تجارب السلف، مصحح عباس اقبال آشتیانی، تهران: طهوری، ۱۳۵۷.
- نوبری، احمد بن عبدالوهاب. نه‌ایه الأرب فی فنون الأدب، قاهره: ناشر دارالکتب و الوثائق القومیه، بی‌تا.
- یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله. معجم البلدان، بیروت: دار صادر، بی‌تا.
- یعقوبی، احمد بن یعقوب. تاریخ یعقوبی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱.